

## یادگارهای علمی امام موسی کاظم (ع)

یادگارهای علمی و فکری امام موسی بن جعفر (ع) که در کتاب‌های حدیث، فقه، کلام و تفسیر ثبت گردیده است یکی از بهترین و غنی‌ترین میراث‌ها و ذخائر علمی و عملی است.



یادگارهای علمی و فکری امام موسی بن جعفر (ع) که در کتاب‌های حدیث، فقه، کلام و تفسیر ثبت گردیده است یکی از بهترین و غنی‌ترین میراث‌ها و ذخائر علمی و عملی است که اصول زندگی و روش‌های تربیتی و معارف را با استوارترین بیان‌ها، در اختیار پویندگان آن معارف، قرار داده و اسرار آفرینش را با عالی‌ترین بیانات خود، توضیح می‌دهد.

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) بعد از رحلت پدر عالیقدرش اداره‌کننده فکری و علمی دانشگاه وسیع و بزرگی بود که از پدر به ارث برده بود. مکتبی که همواره در حال توسعه و گسترش، و در برگیرنده هزاران دانشجو و استاد و طالب علم بود.

با اینکه صدها نفر از محضر پر فیض آن حضرت تلمذ و کسب علم و دانش نموده‌اند و اخبار و احادیث و دریافت‌های خود را نقل کرده‌اند ولی در میان اصحاب حدیث، و راویان اخبار، هیچ‌کس نفر به صدق و امانت معروف گردیده‌اند که در صدق و راستگویی و اطمینان گفتاری جای آنان، گفتگو نیست و منقولات آنان مهر صحت و اعتبار را خورده است و به تعبیر اهل فن اصحاب اجماع هستند و همگان بر درستی روایات آنان اعتراف نموده‌اند که شش تن از آنان از یاران و شاگردان امام باقر و شش نفر از یاران و شاگردان امام صادق (علیه السلام) و شش تن دیگر از یاران و خواص شاگردان امام موسی بن جعفر (علیه السلام) بوده‌اند که عبارتند از: 1- یونس بن عبد الرحمن. 2- صفوان بن یحیی فروشنده شاپوری. 3 محمد بن ابی عمیر. 4- عبد الله بن مغیره. 5- حسین بن محبوب السراد. 6- احمد بن ابی نصر بزنطی.

علاوه بر اینها شاگردان بسیاری تربیت نموده‌اند. در شرح حال یونس بن عبد الرحمن نوشته‌اند که او سلمان عصر خود بوده است و سی رساله در زمینه‌های مختلف اسلامی نوشته است و روزگار خود را با تألیف کتاب می‌گذراند مگر آنکه مشغول نماز یا زیارت یا ملاقات برادران ایمانی خود بود.

\* عبد الله بن حبيب بجلی:

یکی دیگر از شاگردان و اصحاب امام هفتم و هشتم به شمار می‌آید که راویان حدیث و سیره نویسان بر وثاقت و مورد اعتماد بودن او اتفاق کلمه دارند، کشی در کتاب رجال خود گوید: او روزی به امام ابوالحسن عرض کرد آیا شما از من راضی و خشنود نیستید؟ امام فرمود: به خدا قسم! خداوند و رسول خدا نیز از شما راضی و خشنود هستند.

\* علی بن ابراهیم:

یکی دیگر از رجال نویسان و درایه شناسان اسلامی می‌گوید: عبد الله بن جندب را در عرفه مشاهده کردم که بهترین موقف عرفه ای بود که دیده‌ام بودم او دستهای خود را به سوی آسمان برداشته بود و اشک چشمان او از صورت او غلتیده و به زمین می‌افتاد و دعا می‌کرد. پس از مراجعت از عرفه به او گفتم خوش به حال تو که بهترین حال را داشتی و در پاسخ گفت: به خدا جز به نفع برادران دینی دعای دیگری نداشتم چون پیشوایم امام موسی فرموده است هر فردی که پشت سر برادر مؤمن خود دعا کند از عرش الهی ندا داده می‌شود که در مقابل هر کدام از خواسته‌هایی که به نفع برادر دینی انجام داده‌ای چند برابر آن، در حق تو پذیرفته می‌شود. نمی‌دانم دعاهای من مستجاب گردیده است یا نه؟

\* ابن بزيع:

يکي ديگر از اعيان و رجال بزرگ شيعه و از شاگردان مبرز و از رواينگران احاديث اهل بيت مي باشد. نامش محمد بن اسماعيل يکي از علاقمندان اهل بيت است که هم از امام هفتم و هم از پيشوای هشتم کسب فيض و علم نموده است و طبق امر امام، در تشکيلات و دستگاه بنی عباس هم شغل مهمی برگزيده و يکي از مشاورين خاص حکومت بود. امام رضا (عليه السلام) به او فرمودند: در دستگاه‌های اداری ستمگران، کسانی از صلحا و نیکوکاران وجود دارند که خداوند متعال بلا و آفت را بوسیله آنان از اولیای خود بر می گرداند، و امور مسلمانان را با کمک آنان، اصلاح می کند، افراد با ایمان را از ضرر و گرفتاری نجات می بخشد. آنان پناه نیازمندان از اهل ایمان هستند.

\* مؤمن طاق:

محمد بن علی بن نعمان يکي از افاضل شاگردان مکتب تربيتی امام ششم و امام هفتم می باشد که در مباحثات اعتقادی و مناظرات کلامی، مهارت و تبحر خاصی داشت و اين قبيل مباحث از طرف امام (عليه السلام) به او محول می گردید. دفاعیات او از مقام ولایت اهل بيت فراوان صورت گرفته است و گفتگوهای متعددی با رؤسای ادیان و مذاهب انجام داده است که در همه پیروزی با او بوده است گویند روزی ابوحنيفه به او گفت: آیا راست است که تو معتقد به رجعت و بازگشت مجدد هست ؟ گفت: آری. ابوحنيفه با مسخره و استهزاء گفت: پس پانصد دينار به من قرض بده و هنگام بازگشت مجددا من به تو پرداخت می نمايم. مؤمن طاق: عیب ندارد در صورتی که تو به من تعهد بسپاری که هنگام رجعت به صورت میمون یا ديگر مسخ شده ها بر نگردی بلکه به صورت انسان باشی تا بتوانم طلب خود را وصول نمايم ابوحنيفه شرمنده و عاجز از پاسخ شد.

او پس از رحلت امام صادق (عليه السلام) با ابوحنيفه روبرو گرديد، وی به صورت شماتت از مؤمن پرسيد: امام تو هم از دست رفت. مؤمن پاسخ داد: آری ! امام من رحلت نمود ولی امام و پيشوای تو تا وقت معلوم مهلت داده شده است ( اشاره به شيطان است که قرآن می فرمايد: من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم... ).

منابع: رجال کشی، ص 368. الروضه، ج 1، ص 162. مناقب، ج 2، ص 356. تنقيح المقال، ج 3، ص 161. رجال نجاشی، ص 319. ۱۴ نور پاک عليهم السلام ( عبدالرحيم عقيقي بخشایشی